

بازشناسی مفهوم «امت اسلامی» بر اساس منابع و متون اسلامی

هادی رجبی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۴/۱۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱/۱۳

چکیده

این مقاله بر مبنای تحلیل گفتمان استوار شده است. گفتمانها نقش معنادار ساختن مفاهیم را بر عهده دارند. از همین رو با تغییر گفتمانها، مفاهیم جدید به وجود آمده و معنادار می‌شوند و یا دچار تحول گشته و نیازمند بازتعریف هستند. در گفتمان انقلاب اسلامی و متون دینی، امت اسلامی یکی از واژه‌های پرتکرار می‌باشد. بر همین اساس، مقتضی است تا مفهوم امت اسلامی در گفتمان انقلاب اسلامی و متون دینی، مورد بازشناسی قرار گیرد. نوع پژوهش در این مقاله بنیادی است و سعی شده است داده‌های جمع‌آوری شده از متون و منابع اصلی، با نگاهی گفتمانی توصیف و تحلیل گردد. همچنین سعی شده است تا با رویکردی آینده‌پژوهانه و استفاده از روش تحلیل راهبردی، وضع موجود بررسی و راهبردهای لازم جهت رسیدن به وضع مطلوب ارائه گردد. در گفتمان انقلاب اسلامی، مفهوم امت اسلامی مورد بازشناسی قرار گرفته و به صورت گسترده، بازنشر گردیده است. اما کماکان چالشهایی بر سر راه تحقق امت

۱. استادیار دانشگاه علوم انتظامی امین / rajabi313@yahoo.com

اسلامی قرار دارد که در این مقاله با بهره‌گیری از رهنمودهای مقام معظم رهبری، راهبردهایی جهت برطرف شدن چالشها و رسیدن به آینده مطلوب که همانا شکل‌گیری امت اسلامی واحد می‌باشد، ارائه گردیده است.

واژگان کلیدی: امت اسلامی، وحدت اسلامی، آینده‌پژوهی، تحلیل راهبردی، گفتمان انقلاب اسلامی.

مقدمه

تحلیل گفتمان (Discours analysis) اساساً در زبان‌شناسی متولد شد و تاکنون مراحل مختلفی را پشت سر گذاشته است. فردیناندو سوسور زبان‌شناس سوئیسی، با طرح ساختارهای زبانی، اولین قدمها را در ایجاد نظریه گفتمان برداشت، اما مدتها طول کشید تا نظریه وی برای فهم و توضیح فرایندهای اجتماعی به کار آید (حسینی‌زاده، ۱۳۸۳ش). در سال ۱۹۵۲م زیلگ هریس، زبان‌شناس ساختارگرای آمریکایی، بررسی واحدهای بزرگ‌تر از «جمله» را در کانون توجه زبان‌شناسی قرار داد و آن را تحلیل گفتمان نامید. در تحلیل گفتمان ساختگرا، گفتمان به مثابه زبان، بزرگ‌تر از جمله [و مفهوم] تعریف می‌شود (سلطانی، ۱۳۸۳ش). لاکلاو (Laclau) و موفه (Mouffe) به توسعه مفهومی از گفتمان همت گماشتند که به طور مشخص، با فرایندهای سیاسی سر و کار داشت (مارش و استوکر، ۱۳۷۸ش). نظریه گفتمان آنها تحت تأثیر سوسور بود. آنها معتقد بودند که در حقیقت ما بدون زبان، قادر به تشخیص موضوعات و مفاهیم با هیچ میزانی از ثبات و پایداری نخواهیم بود. زبان صرفاً جهان را نامگذاری نمی‌کند، بلکه آن را برای ما معنی‌دار و منظم می‌سازد (نش، ۱۳۸۰ش).

در پاسخ به این سؤال که گفتمان چیست؟ می‌توان گفت که گفتمان یک عملکرد زبانی است که مجموعه‌ای از قواعد و آیینها را برای شکل بخشیدن به اشیاء، کلام و موضوعات به کار می‌گیرد. نورمن فرکلاف در تعریف تحلیل گفتمان معتقد است: «تحلیل گفتمان، چگونگی تبلور و شکل‌گیری معنا و پیام واحدهای زبانی را در ارتباط با عوامل درون زبانی (در زمینه متن واحدهای زبانی، محیط بلافصل زبانی مربوطه و نیز کل نظام زبانی) و عوامل برون زبانی (زمینه اجتماعی، فرهنگی و موقعیتی) بررسی می‌کند» (فرکلاف، ۱۳۷۹ش). تحلیل گفتمان در معنای فنی‌تر خود به مجموعه‌ای بی‌طرف از ابزارهای روش‌شناسی برای تحلیل کلامها، نوشته‌ها، مصاحبه‌ها، مباحثات و

غیره اشاره دارد. به عنوان مثال تحلیلگران به بررسی ابعاد گوناگون مباحثات مانند آغاز و پایان آنها، چگونگی معرفی، تداوم و تحول موضوعات، چگونگی نقل قول در مباحثات توسط مردم، چگونگی به نوبت سخن گفتن و غیره می‌پردازند.

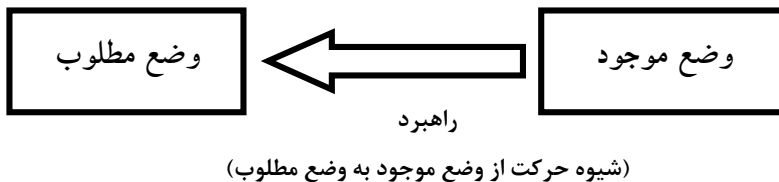
بنابراین گفتمان، نحوه سخن گفتن درباره جهان است. از این جهت است که ارتباط عمیقی با بحث مفاهیم دارد. در حقیقت مفاهیم در چهارچوب زبانی هر گفتمان شکل گرفته و با گفتمانهای دیگر متفاوت می‌باشند. همان‌طور که برای شناخت جهان باید مفاهیم ساخته شوند، گفتمانها نقش معنادار ساختن مفاهیم را بر عهده دارند. در این برداشت با تغییر گفتمانها، مفاهیم جدید به وجود آمده و معنادار می‌شوند و یا دچار تحول گشته و نیازمند بازتعریف هستند. بنابراین سؤالاتی که به دنبال پاسخ به آنها هستیم، این است که اولاً در گفتمان انقلاب اسلامی آیا تحولی در مفهوم امت اسلامی مشاهده می‌شود؟ ثانیاً با توجه به سیر تاریخی امت اسلامی در سده‌های گذشته، چالشهای تحقق امت اسلامی چه بوده است؟ و ثالثاً راهبردهای گذر از وضع موجود و رسیدن به وضع مطلوب چیست؟

مبانی نظری: آینده‌پژوهی و روش تحلیل راهبردی

هدف آینده‌پژوهی لزوماً شناخت آینده نیست؛ بلکه کمک به ما برای تصمیم‌گیریهای بهتر در امروز از طریق آینده‌پژوهی است. روشهایی که ما را به پیش‌بینی فرصتها و تهدیدات و در نظر گرفتن چگونگی سرکردن با آنها وادار می‌کند. توجه به این نکته مهم است که از نظر راهبردی، بهتر است پیش‌بینی کنیم تا اینکه فقط به تغییرات واکنش نشان دهیم (جائوتزری و سیپیو، ۱۳۹۴ش).

در ادبیات آینده‌پژوهی، سه نوع آینده مطرح می‌شود. (۱) آینده ممکن: شامل تمامی آینده‌هایی که می‌تواند اتفاق بیافتد. (۲) آینده محتمل: آنچه به احتمال بسیار زیاد در آینده به وقوع خواهد پیوست. (۳) آینده مطلوب: آنچه مطلوب‌ترین و مرجح‌ترین رویداد

آینده به شمار می‌رود. در این اثر، رویکرد ما به آینده از افق مطالعات پرسپکتیو (Perspective) و معطوف به آینده مطلوب است. در این نوع از مطالعات، مطالعه آینده به منظور ایجاد نگرش راهبردی در ذهن با نگاه بلندمدت و در راستای خلق آینده‌ای مطلوب مد نظر می‌باشد (جائوتزی و سیپیو، ۱۳۹۴ش). از این جهت، راهبردها از هدفهای دراز مدت نشئت می‌گیرند و در حقیقت ابزاری هستند که سازمان به کمک آنها می‌تواند به اهداف راهبردی خود دست یابد (دیوید، ۱۳۷۹ش، ص ۳۸) هر تصمیمی که برای حرکت از وضع موجود تا رسیدن به وضع مطلوب اتخاذ شود، در بنیان خود از روش تحلیلی بهره می‌جوید که متناسب با قوه تعقل و ادراک حسی و شهودی تصمیم‌گیران است (محمدی لرد، ۱۳۹۲ش، ص ۱۱) بر همین اساس سعی شده است تا با استفاده از روش تحلیل راهبردی وضع موجود بررسی و راهبردهایی جهت رسیدن به وضع مطلوب ارائه گردد.



در ادامه به منظور آشنایی با مفهوم امت اسلامی، ابتدا برداشتهای قرآنی و تاریخی از این مفهوم از نظرگاه گفتمان انقلاب اسلامی تبیین و سپس ضمن بررسی چالشها، راهبردهای تحقق آن، ارائه خواهد شد.

مفهوم شناسی امت اسلامی

در *دائرة المعارف قرآن کریم*، امّة بر وزن فُعَلَه، از ریشه (أ - م - م) آمده است که به معنای قصد مخصوص بوده و اشتقاق یافته است. «در واقع امت به گروهی گفته می‌شود که مورد قصد و توجه مخصوص دیگران واقع شده و در یک ویژگی چون دین، زمان،

مکان، نوع یا صنف مشترک و همسان باشند. این ویژگی می‌تواند اختیاری یا غیر اختیاری باشد، بر این اساس به پیروان یک دین و آیین بر اثر همسانی در دین امت می‌گویند و به مردمی که همزمان با یکدیگر در یک قرن یا در منطقه‌ای از زمین زندگی می‌کنند یا گروهی از مردم که دارای عملکرد یکسان هستند، امت اطلاق می‌شود» (دائرة المعارف قرآن کریم، ۱۳۸۲ش، ج ۴، ص ۲۵۴). در برخی منابع، «امت به تمام گروهها و جماعتی که به خاطر کاری و هدفی مجتمع می‌شوند، اطلاق گشته است؛ خواه آن کار، دین واحد یا زمان و مکان واحد باشد؛ اجباری باشد یا اختیاری» (راغب اصفهانی، ۱۳۸۳ش، ج ۱، ص ۱۹۳). «امت را از آن جهت امت می‌گویند که مردمی [دارای یک مقصد هستند] چون از اَمِّ یَأُمُّ به معنی قَصْدَ یَقْصُدُ است. وقتی که یک مردمی با یک مقصد و به سوی یک غایت حرکت کردند به آن امت می‌گویند، اعم از اینکه آن غایت، غایت خیر باشد یا شر، ماده باشد یا معنا، و بلکه حتی قرآن به حیواناتی هم که با یکدیگر هماهنگ و هم مقصد هستند امت گفته؛ همچنان که امام در قرآن معنای اعمی است، هم در مورد کسی که هدایت می‌کند؛ یعنی به سوی حقیقت می‌برد و هم در مورد کسی که به سوی ضلالت می‌برد» (مطهری، ۱۳۸۸ش، ج ۱۵، ص ۷۷۵). از این جهت می‌توان گفت: «امت گروهی است که هدفی واحد، آنان را گرد هم آورده است» (طباطبایی، ۱۳۷۸ش، ج ۴، ص ۳۲۲). در تعاریف دیگر آمده است: «امت به معنای جمعیتی است که امر واحدی آنها را در خود گرد آورده باشد؛ همچون یک دین، یک کیش، یک روش، یک زمان، یک جا یا یک نوع خلقت» (حسینی دشتی، ۱۳۶۹ش، ج ۱، ص ۲۵۶). «امت به کسانی گفته می‌شود که قصد مشترک و نظر مشترک دارند» (قرشی، ۱۳۶۱ش، ج ۱، ص ۱۱۸). این واژه در معانی دیگر نیز کاربرد داشته است، از جمله: شریعت، دین، جماعت، طریق، مذهب، زمان، یک نسل از مردم، ملت، راهنما و معلّم خیر، راه روشن، گروه هم‌کیش و متحد در دین، اسوه، مقتدا و قومی که خداوند

برای آنها پیامبر بر حقی را فرستاده است (ر.ک: ابن منظور، ۱۴۰۵ق، ج ۱۲، ص ۱۰۱؛ ابن‌درید، ۱۹۷۸م، ج ۱، ص ۱۵۹). دانشمندان علوم قرآنی، این واژه را مشترک لفظی با معانی متعدد دانسته و آن را از مصادیق «جوه» برشمرده‌اند (زرکشی، ۱۳۹۱ق، ج ۱، ص ۱۰۲؛ سیوطی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۹۹). در علوم تفسیری و قرآنی، اگر در لفظ یا عبارتی چند معنا احتمال رود، این معانی را جوه گویند؛ به این معنا که عبارت مذکور را بتوان بر چند وجه تعبیر کرد و برای هر وجه، تفسیری را ارائه کرد.

اما وقتی صحبت از امت اسلامی می‌شود، «امت با معنای واژگانی نظیر «جامعه»، «ملت»، «کشور» و «وطن» تفاوت‌های اساسی دارد؛ چرا که در معنای این واژگان، ویژگی‌های نژادی، جغرافیایی و ملی وجود دارد؛ در حالی که «امت (اسلامی)» بر مبنای وحدت عقیدتی و جهان‌بینی (دینی و اصالت فطرت)، تعریف و تشکیل می‌شود» (عمید زنجانی، ۱۳۶۶ش، ج ۲، صص ۳۰۲ و ۳۰۳)، در حالی که در برخی از منابع آمده است: «امت واژه‌ای با برد معنایی بسیار وسیع است که می‌تواند جامع مفاهیمی چون قوم، قبیله، عشیره، گروه‌های نژادی و نیز ملت یا جامعه‌ای مذهبی که تحت لوای هدایت یک پیامبر قرار دارد، باشد» (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۰ش، ج ۱۰، ص ۱۹۲). «معنی امت در سال‌های اخیر تغییراتی یافته است و به معنی ملت نیز به کار می‌رود. ملت به مجموعه‌ای از مردم یک سرزمین گفته می‌شود که از یک نژاد، زبان و فرهنگ و تابع یک حکومت باشند. آنها می‌توانند دین‌های متفاوتی داشته باشند» (دائرة المعارف انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳ش، ج ۱، ص ۹۵). اما به نظر می‌رسد مفهوم امت به معنای اصلی خود، نه تنها نمی‌تواند به جای ملت به کار رود؛ بلکه به لحاظ محتوایی کاملاً با مفهوم ملت متفاوت است.

با توجه به موارد فوق می‌توان گفت: «امت اسلامی اصطلاحی برآمده از قرآن کریم و سنت نبوی و ناظر به جامعه‌ای برگزیده، متحد و هدفمند براساس دین و سنت پیامبر اسلام ﷺ با قوامی به غیر از نژاد، اقلیم و زبان و مانند آن می‌باشد».

امت اسلامی در قرآن کریم

واژه امت ۶۵ بار در قرآن کریم آمده است که ۵۲ مورد آن به صورت مفرد (امت) و ۱۳ مورد به صورت جمع (أُمَّة) است. واژه امت در قرآن کریم بیشتر به معنای همسانی در دین و آیین و همسانی زمانی و مکانی آمده است (دائرة المعارف قرآن کریم، ۱۳۸۲ش، ج ۴، ص ۲۵۴)، مانند: «رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ» (بقره، ۱۲۸)؛ «پروردگارا ما را تسلیم [فرمان] خود قرار ده و از نسل ما امتی فرمانبردار خود [پدید آر] و آداب دینی ما را به ما نشان ده و بر ما بیخشای که تویی توبه‌پذیر مهربان»، «وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ جَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً» (مائده، ۴۸)؛ «و اگر خدا می‌خواست شما را یک امت قرار می‌داد»، «تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ هَذَا مَا كَسَبَتْ وَلَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ» (بقره، ۱۳۴)؛ «آن جماعت را روزگار به سر آمد، دستاورد آنان برای آنان و دستاورد شما برای شماست و از آنچه آنان می‌کرده‌اند، شما بازخواست نخواهید شد»، «وَلِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ» (اعراف، ۳۴)؛ «و برای هر امتی اجلی است، پس چون اجلشان فرا رسد، نه [می‌توانند] ساعتی آن را پس اندازند و نه پیش».

از نگاه قرآن کریم، انسانها در آغاز امت واحد بوده‌اند: «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ» (بقره، ۲۱۳)؛ «مردم امتی یگانه بودند، پس خداوند پیامبران را نویدآور و بیم‌دهنده برانگیخت». بسیاری از مفسران معتقدند که مقصود از وحدت در این آیه، همسانی در دین و عقیده است. برخی دیگر از مفسران مراد از وحدت را هم‌رنگی و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز اجتماعی مردم بر اثر سادگی زندگی اولیه انسانها دانسته‌اند. بیشتر مفسران در این جهت هم عقیده‌اند که در آیه مجاز حذف رخ داده و در واقع آیه چنین بوده است: «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً وَاخْتَلَفُوا فَبَعَثَ اللَّهُ...»؛ یعنی پس از وحدت و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز دچار اختلاف و تفرقه شدند و خداوند برای رفع این اختلاف، پیامبران را گسیل داشت. آیه «وَمَا كَانَ النَّاسُ إِلَّا أُمَّةً وَاحِدَةً فَاخْتَلَفُوا» (یونس،

۱۹)؛ «و مردم جز یک امت نبودند، پس اختلاف پیدا کردند» نیز این تقدیر را تأیید می‌کند (دائرة المعارف قرآن کریم، ۱۳۸۲ش، ج ۲، ص ۲۵۸).

سنتهای الهی، روشهایی است که خدای متعال امور عالم و آدم را بر پایه آنها تدبیر و اداره می‌کند (مصباح یزدی، ۱۳۶۸ش، ص ۴۲۵)، که مهم‌ترین این سنتها برای امتها را می‌توان این‌گونه برشمرد: ارسال پیامبران (طه، ۱۳۳ و ۱۳۴؛ یونس، ۴۷؛ نحل، ۳۶ و فاطر، ۲۴)، تعذیب و هلاک ساختن امتها پس از اتمام حجت الهی (اسراء، ۱۵ و ۱۷؛ مؤمنون، ۴۴)، هلاکت امتها بر اثر ستم و ناسپاسی (کهف، ۵۹؛ انبیاء، ۱۱؛ هود، ۱۱۷؛ نحل، ۱۱۲)، تغییر سرنوشت امتها بر اثر عملکرد خود (انفال، ۵۳؛ رعد، ۱۱) و امتحان و ابتلای امتها (انعام، ۴۲).

در قرآن کریم بسا یک نفر را به لحاظ اینکه همه صفات نیک در او جمع است و مقام رهبری دارد، امت گویند چون ابراهیم که در قرآن آمده است: «إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ حَنِيفًا وَّلَمْ يَكُ مِنَ الْمُشْرِكِينَ» (نحل، ۱۲۰)؛ «به راستی ابراهیم پیشوایی مطیع خدا [و] حق‌گرای بود و از مشرکان نبود» (حسینی دشتی، ۱۳۶۹ش، ج ۱، ص ۲۵۶) و یا به دلیل اینکه او امتی بود که فقط یک فرد داشت؛ زیرا که آن روز فقط او موحد بود (قرشی، ۱۳۶۱ش، ج ۱، ص ۱۱۸).

در بیان قرآن کریم، امت اسلامی، بهترین امت پدید آمده است: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ» (آل عمران، ۱۱۰)؛ «شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده‌اید». در برخی از روایات، امت در این آیه به ائمه معصومین تأویل شده است. به نظر برخی از قرآن‌پژوهان، مقصود از این روایت آن است که ائمه (علیهم‌السلام) مسئولیت پیشوایی امت را بر عهده دارند (دائرة المعارف قرآن کریم، ۱۳۸۲ش، ج ۲، ص ۲۶۴).

همچنین قرآن، امت اسلامی را «امت وسط» معرفی کرده است که در راستای سنت الهی به عنوان شاهد بر امتها نقش‌آفرینی خواهند داشت: «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا

لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ» (بقره، ۱۴۳)؛ «و بدین گونه شما را امتی میانه قرار دادیم تا بر مردم گواه باشید». برخی از این آیه شریفه، تعبیر «جامعه اعتدالی» را برداشت و ترویج کرده‌اند؛ و حال آنکه منظور خداوند متعال «وسطیت به قول مطلق و به جمیع معانی باشد که از آن جمله وسطیت معارف و کمالات روحیه است که مقام برزخیت کبرا و وسطیت عظاما است؛ و لهذا این مقام اختصاص دارد به کمال از اولیاء. و از این جهت، در روایت وارد شده که مقصود از این آیه، ائمه هدی علیهم السلام هستند، چنانچه حضرت باقر علیه السلام به یزید بن معاویه عجلی می‌فرماید: ماییم امت وسط و ماییم شهدای بر خلق» (خمینی، ۱۳۷۰ ش، ص ۲۸۸). حقیقت امت وسط، امتی است که بر مدار صراط مستقیم باشد و «حقیقت صراط، صورت باطن ولایت است، چنانچه در احادیث وارد است که امیرالمؤمنین علیه السلام صراط است» (خمینی، ۱۳۷۱ ش، ص ۳۶۰). بنابراین قوام امت اسلامی به وجود و ولایت امام جامعه است و این مهم، بارها و در مواضع مختلفی در قرآن کریم ظاهر و بیان شده است. از این جهت، «اولوالأمر» (نساء، ۵۹)، «اهل الذکر» (بقره، ۱۲۴)، «اهل البیت» (احزاب، ۳۳)، «صادقین» (توبه، ۱۹) و «حب‌الله» (آل عمران، ۱۰۳) و «صراط الله» و «صراط مستقیم» و «مؤمنون» (مائده، ۵۵) و «امانت» (احزاب، ۷۲) و صدها آیه دیگر درباره مقام و شأن امامت اهل‌بیت علیهم السلام نازل شده است (خمینی، بی تا، صص ۱۳۰-۱۳۲).

از امام صادق علیه السلام روایت است که آیه «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً» (انبیاء، ۹۲)؛ «این است امت شما که امتی یگانه است»، درباره آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم می‌باشد. ابوبصیر می‌گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: «... من أمة؟» یعنی امت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم چه کسانی هستند؟ گفت امت وی، مؤمنانی هستند که آنچه او از سوی پروردگار خویش آورده است، به جان می‌پذیرند و همراه در امانت گرانمایه او (تقلین)، که به دستور خدا باید همراه آنها پیش بروند، راه می‌پویند. آن دو کتاب خدا و خاندان پاک پیامبر هستند که خداوند

ایشان را از هر آلودگی به دور داشته است و پس از پیامبر خدا، مردم باید پیرو آن دو باشند (صدر حاج سید جوادی و دیگران، ۱۳۷۲ش، ج ۲، ص ۴۹۴).

جایگاه و اهمیت امت اسلامی در اندیشه سیاسی اسلام

در اسلام، توحیدی مد نظر است که خداوند را به عنوان حاکم و صاحب «ولایت» مطرح کرده و رسولی را نیز برای اعمال این حکم و ولایت به میان مردم فرستاده است. بر این اساس، مسلمانان باید مطیع خداوند و رسول او باشند. این اطاعت مهم‌ترین ثمره سیاسی عقیده توحید و اساسی‌ترین اصل برای ایجاد وحدت به شمار می‌رود. حاصل چنین وحدتی، شکل‌گیری امت واحده است و تشکیل امت واحده برای تشکیل دولت و نظام امری، حائز اهمیت و بسیار ضروری می‌باشد (جعفریان، ۱۳۷۷ش، ص ۴۵).

در خصوص تعیین جایگاه «امت اسلامی»، با بررسی آیات قرآن کریم حول محور موضوعی «امت» می‌توان گفت این واژه و مفهوم در نشان دادن سیمای جامعه دینی مسلمانان، نسبت به واژه‌های دیگر رساتر می‌باشد (احمدی، ۱۳۸۸ش، ص ۴۹)، اما سؤال این است که آیا قرآن برای «امت» شخصیت و جایگاه خاصی قائل است؟ در پاسخ باید گفت قرآن برای امتها (جامعه‌ها) سرنوشت مشترک، نامه عمل مشترک، فهم و شعور، عمل، طاعت و عصیان قائل است. بدیهی است که اگر امت وجود عینی نداشته باشد، سرنوشت و فهم و شعور و طاعت و عصیان معنی ندارد. قرآن به نوعی حیات جمعی و اجتماعی قائل است. حیات جمعی صرفاً یک تشبیه و تمثیل نیست، یک حقیقت است، همچنان که مرگ جمعی نیز یک حقیقت است (مطهری، ۱۳۸۸ش، ج ۲، ص ۳۴۱).

قرآن برای امت؛ یعنی جامعه وجود قائل است «وجوداً» غیر از وجود افراد، «و اجلاً» مدت و عمر قائل است غیر از عمر افراد، «و کتاباً» سرنوشت قائل است غیر از

سرنوشت افراد، «و شعوراً» وجدان [و شعور قائل است] غیر از شعور افراد، «و فهماً» (شعور و فهم یک معنی دارد) «و عملاً» برای جامعه عمل قائل است، «و طاعة و معصية». هر آیه‌ای برای یکی از این مدعاها است: «وجوداً و اجلاً و کتاباً و شعوراً و فهماً و عملاً و طاعة و معصية، فقال: وَ لِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ». وقتی می‌گوید «اجل»، قهراً وجود هم در آن ثابت می‌شود. هر امتی یک مدت و یک پایان دارد. امت از آن جهت که امت است، خودش یک عمر دارد که غیر از عمر افراد است: «وَ لِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ» (اعراف، ۳۴)؛ «و برای هر امتی اجلی است، پس چون اجلشان فرا رسد نه [می‌توانند] ساعتی آن را پس اندازند و نه پیش»، «كُلُّ أُمَّةٍ تُدْعَىٰ إِلَىٰ كِتَابِهَا» (جاثیه، ۲۸)؛ «هر امتی به سوی کارنامه خود فراخوانده می‌شود»، «زَيْنًا لِّكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلُهُمْ» (انعام، ۱۰۸)؛ «برای هر امتی کردارشان را آراستیم»، این همان فهم و شعور است؛ یعنی برای همه امت یک نوع شعور و یک نوع درک و یک نوع وجدان قائل شده است. در آیه دیگر می‌فرماید: «مِنْهُمْ أُمَّةٌ مُّقْتَصِدَةٌ» (مائده، ۶۶)؛ «از میان آنان گروهی میانه‌رو هستند»، که برای امت صفت میانه‌روی را آورده است. این مربوط به مسئله عمل است. گفتیم برای امتهای طاعت و معصیت قائل است: «أُمَّةٌ قَائِمَةٌ يَتَّبِعُونَ آيَاتِ اللَّهِ أَنَاءَ اللَّيْلِ» (آل عمران، ۱۱۳)؛ «گروهی درست‌کردارند که آیات الهی را در دل شب می‌خوانند»، که در این آیه امت را مطیع فرض کرده است. «وَهُمَّتْ كُلُّ أُمَّةٍ بِرَسُولِهِمْ لِيَأْخُذُوهُ وَجَادَلُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ فَأَخَذْتُهُمْ فَكَيْفَ كَانَ عِقَابِ» (غافر، ۵)؛ «و هر امتی آهنگ فرستاده خود را کردند تا او را بگیرند و به [وسیله] باطل جدال نمودند تا حقیقت را با آن پایمال کنند، پس آنان را فرو گرفتم، چگونه بود کیفر من؟» که این آیه را مثالی برای امت عاصی آورده است و همچنین آیه: «وَ لِكُلِّ أُمَّةٍ رَسُولٌ فَإِذَا جَاءَ رَسُولُهُمْ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ» (یونس، ۴۷)؛ «و هر امتی را پیامبری است پس چون پیامبرشان بیاید میانشان به عدالت داوری شود» (مطهری، ۱۳۸۸ ش، ج ۱۵، ص ۷۷۶).

گستره امت اسلامی و نظام جهانی اسلام

قلمرو و گستره امت اسلامی از بعد اعتقادی، محدود به تسلیم خدا بودن می‌شود: «[امت اسلامی] امتی است که تسلیم خداست، تسلیم حقیقت است، تسلیم وحی و الهامی است که از افق حقیقت برای راهنمایی بشر در قلب شایسته‌ترین افراد طلوع کرده است. پس «ما»ی مسلمانان و هویت واقعی آنها چیست؟ این دین می‌خواهد چه وحدتی به آنها ببخشد و چه مارکی روی آنها بزند و زیر چه پرچمی آنها را گرد آورد؟ پاسخ این است: اسلام، تسلیم حقیقت بودن» (مطهری، ۱۳۸۸ش، ج ۲، ص ۴۹۷).

قلمرو و گستره‌ای که قرآن کریم برای امت اسلامی قائل است، حد میانه (وسطیت و تعادل) می‌باشد: «وَكذلكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ» (بقره، ۱۴۳): «و بدین‌گونه شما را امتی میانه قرار دادیم، تا بر مردم گواه باشید»، در این آیه امتی مدنظر است که از هر نظر در حد اعتدال باشد، نه کندرو و نه تندرو، نه افراط و نه تفریط، الگو و نمونه (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۱، ص ۴۸۴). امت واقعی اسلام از نظر قرآن یک امت وسط و معتدل است. بدیهی است که امت وسط و معتدل و متعادل، دست پرورده تعالیم وسط و معتدل است. آیه ذکر شده امتیاز و خصوصیت امت ختمیه و تعلیمات ختمیه را در یک کلمه ذکر می‌کند: وسطیت و تعادل (مطهری، ۱۳۸۸ش، ج ۳، ص ۱۹۶).

از بعد سیاسی و در نظریه نظام واحد جهانی، امت به جای دولت و اقتدارات یک طرفه و ملی و محدود به حدود جغرافیایی، در شکل رهبری مستضعفین جهان و امامت جهانی متجلی می‌گردد و جامعه همگون بشری در راستای تکامل، با هدفهای مشخص که در تلاش برای بارور کردن همه استعدادها و تمامی ارزشهای ممکن بشر خلاصه می‌شود، به حرکتی وقفه‌ناپذیر ادامه می‌دهد (عمید زنجانی، ۱۳۷۷ش، ج ۳، ص ۷۰). از بعد اجتماعی و در تعیین قلمرو مفهوم امت، نسبت به جوامع دارای فرهنگهای مختلف، سه صورت پدید می‌آید:

۱. اگر جامعه چندفرهنگی، جامعه‌ای مرکب از گروه نژادی، زبانی و خرده‌فرهنگها باشد، که تمام آنان در عنصر عقیده (اسلام) متفق باشند، در این صورت بنا به تصریحات و تأکیدات قرآن کریم و آرای قاطبه مفسران و اندیشمندان اسلامی، مفهوم امت تمام افراد و آحاد و گروهها در این جامعه را شامل می‌شود.

۲. اگر جامعه‌ای چنان چندفرهنگی باشد که در کنار گروه یا گروههای متنوع مسلمان، گروه یا گروههای دینی غیرمسلمان نیز حضور داشته باشند، در این صورت اگر قلمرو مفهوم «امت» را به صورت مضیق و حداقلی و صرفاً با معیار عقیده، مورد ملاحظه قرار دهیم، مسلماً غیرمسلمانان نمی‌توانند همانند مسلمانان در زیر چتر «امت» قرار گیرند. در چنین فرضی، ترسیم ملتی واحد از اجتماع مسلمانان و غیرمسلمانان دشوار خواهد بود؛ چه آنکه مفهوم «امت» یا «امت واحده» که در قرآن کریم بر آن تأکید شده، غیرمسلمانان را دربر نمی‌گیرد. در واقع، این صورت نتیجه رویکرد حداقلی به مفهوم «امت» است که بسیاری از مفسران و علمای تشیع و تسنن، «امت واحده» را مترادف «امت اسلامی» تلقی نموده‌اند.

۳. اگر جامعه چندفرهنگی همانی باشد که در صورت دوم عنوان شد، در این صورت، رویکرد حداکثری و موسّع به مفهوم «امت» بسیار تعیین کننده خواهد بود. طبق این رویکرد، با دو منطق تفسیری و منطق تاریخی نواندیشانه، قلمرو امت واحده که در قرآن کریم مورد تأکید قرار گرفته است، محصور در پیروان دین اسلام نخواهد ماند و حتی پیروان سایر ادیان و عقاید که در کنار مسلمانان، اجتماع واحدی را پدید آورده‌اند نیز دربر خواهد گرفت (شفایی، ۱۳۹۱ش، ص ۱۵۹).

ویژگیهای امت اسلامی در اندیشه سیاسی اسلام

در اندیشه سیاسی اسلام که اختصاصاً در مفهوم «امت» متبلور است؛ محدودیتها و مرزبندیهای جغرافیایی و مکانی، تعصبات قومی و نژادی و زبانی، هیچ نقشی ندارد و

اصلاً مد نظر نمی‌باشد. بلکه ملاک و معیار در امت اسلامی، وحدت عقیدتی و التزام به تعالیم جهانی قرآن کریم می‌باشد (احمدی، ۱۳۸۸ش، ص ۴۸). یکی از ویژگیهای امت اسلامی که جامعه مطلوب و آرمانی مورد نظر اسلام محسوب می‌شود، این است که از عبادالله تشکیل می‌شود: «عبادالله کسانی هستند که اختلافات نژادی و قومی، مایه برتری آنها بر دیگران نیست و باتقواترین آنها گرامی‌ترین افراد نزد خداوند است و آنها ملزم به اطاعت از خدا و رسول و اولی الامر هستند و رهبری چنین جامعه‌ای را امام بر عهده دارد» (بابایی زارچ، ۱۳۸۳ش، ص ۱۳۵). به بیان دیگر، آنچه امت اسلامی را پدید می‌آورد، وضع سیاسی انسجام یافته نیست، بلکه اراده زندگی با هم است، آن هم اراده‌ای که در پرتو قواعد اخلاقی - به ویژه آنچه در قرآن به عنوان چهارچوب روابط اجتماعی ترسیم شده - پدید آمده است. اعضای امت اسلامی همه عبادالله یا بندگان خدا هستند. همبستگی بین آنها به وسیله رشته‌های ایمان و باوری است که هر یک از مسلمانان را از رهگذر دین اسلام به خدای تعالی ربط می‌دهد. بنابراین با توجه به اصالت ویژه جامعه اسلامی، از حیث حکومت و وجود امت و نفی مرزهای سرزمینی، باید گفت که دولت از زاویه دید اسلام، ماهیتاً جنبه ماوراء ملی یا ماوراء مرزی دارد. به تعبیر دیگر می‌توان آن را نوعی دولت عام ملل تلقی کرد که طبعاً با خصلت جهان‌شمولی، غیرمحلّی و غیرملّی اسلام سازگارتر می‌نماید (زارعی، ۱۳۹۰ش، ص ۱۵۶).

سیر تاریخی امت اسلامی

با رویکرد به دانش تاریخ‌انگاره (History of Ideas) و معناشناسی (Semantics) می‌توان گفت: «امت» برای هر چیزی که به فرهنگ اسلامی ارتباط پیدا می‌کند، همانند کلید است. تولد این واژه در تاریخ اسلام، اهمیت زیادی دارد. تا آن زمان در عربستان، اصل سازمان اجتماعی و سیاسی، اساساً ماهیت قبیله‌ای داشت و

خویشاوندی خونی، قاطع‌ترین عنصر در تصور و دریافت عرب جاهلی نسبت به وحدت اجتماعی بود. در برابر این تصور پرسابقه مورد احترام، قرآن اندیشه تازه‌ای را در خصوص وحدت اجتماعی عرضه کرد و گسترش داد که دیگر بر روابط خویشاوندی و خونی متکی نبود، بلکه از اعتقاد مشترک دینی برمی‌خاست (ایزوتسو، ۱۳۸۱ش، ص ۹۶). همچنان که از دقت در آیات قرآنی و بررسی تاریخ عرب و تاریخ زندگی اجتماعی قبل از ظهور اسلام، برمی‌آید؛ در حجاز و عربستان آن دوران، عامل اصلی ایجاد جامعه و تشکلهای گروهی، عامل برقراری رابطه بین افراد در جامعه اعراب جاهلی، روابط نسبی، خونی و خویشاوندی بود. به همین خاطر، واژه‌هایی مانند: عشیره، قبیله، حی، قوم و غیره از مهم‌ترین واژه‌های اجتماعی است که در قرآن به کار رفته و نشان دهنده این است که این مفاهیم به عنوان سازمانهای اجتماعی عصر نزول قرآن در میان عربها بوده است. ولی واژه امت در میان اعراب، دارای ریشه‌های جامعه‌شناختی نبود، بلکه بیشتر در معنای «آیین و دین» به کار می‌رفت (احمدی، ۱۳۸۸ش، ص ۴۹).

«اما نخستین فرآورده سیاسی انسانی اسلام، «امت اسلامی» بود که از مدینه النبوی آغاز شد و به صورتی حیرت‌آور و افسانه‌وار، قدم در راه رشد کمی و کیفی نهاد. هنوز نیم قرن از ولادت این پدیده مبارک نگذشته بود که نزدیک به نیمی از تمامی قلمرو سه تمدن بزرگ باستانی همسایه خود؛ یعنی ایران، روم و مصر را درنوردید و یک قرن پس از آن، تمدنی درخشان و حکومتی عزیز و مقتدر در مرکز جهان پدید آورد که از شرق به دیوار چین و از سوی دیگر به سواحل اقیانوس اطلس و از شمال تا استپهای سیبری و از جنوب تا جنوب اقیانوس هند می‌رسید. قرنهای سوم و چهارم هجری و پس از آن، مزین به تمدنی آنچنان مشعشع است که پس از هزار سال، هنوز برکات علمی و فرهنگی آن را در مدنیت کنونی جهان، می‌توان به وضوح دید» (حدیث ولایت، ۱۳۷۶ش، ص ۱۵۱).

«آنچه توانست آن جامعه کوچک چند هزار نفری مدینه را در سالهای اول هجرت، به یک امت عظیم، مقتدر، عالم، عزیز، چشمه جوشان علم و حکمت برای دنیا در قرن چهارم و پنجم هجری تبدیل کند، عبارت بود از ایمان روشن، تعالیم واضح و همه‌جانبه، عزم راسخ و جهاد مستمر. امت اسلامی در افت و خیزهای فراوان خود و در هر جا که از آن تعالیم غفلت کرد، دچار شکست و عقب‌روی شد. هر جا علم، اخلاق، روابط اجتماعی، اقتدار معنوی، عزت، وحدت و برتر از همه عدالت را نادیده گرفت، رشد آن متوقف شد و عقب‌گرد کرد و کار به جایی رسید که قدرتهای متجاوز و متعرض و طماع توانستند این امت را تکه‌پاره کنند، در مقابل هم به تضعیف قوای یکدیگر وادار کرده، بر آنها تسلط پیدا کنند و منابع آنها را بگیرند» (حدیث ولایت، ۱۳۸۳ش، ص ۱۲۸).

در دوران معاصر، افراد، گروهها و جریانهای مختلفی برای حل مشکل ضعف دنیای اسلام و مقابله با تفرقه و نیز ایجاد اتحاد برای تشکیل مجدد «امت اسلامی»، فعالیت خود را آغاز کردند. یکی از چهره‌های شاخص مصلحان وحدت‌طلب «امت اسلامی»، سید جمال‌الدین اسدآبادی بود. وی به همراه شاگردش شیخ محمد عبده، وحدت اسلامی را از مهم‌ترین اهداف آرمانی خود می‌دانست و در این راه تلاش و کوشش فراوانی به عمل آورد. در این راستا وی وطن خاصی برای خویش انتخاب نکرد، و در طول عمر مبارزاتی خود، به کشورهای متعدد سفر نمود و سکنی گزید.

فرد دیگری که در راه وحدت اسلامی اقدام نمود، رئیس جامعه الأزهر مصر، شیخ محمود شلتوت بود که فتوای جواز پیروی از فقه شیعه را صادر نمود و مذهب تشیع را در ردیف چهار مذهب فقهی اهل سنت به رسمیت شناخت. تأسیس مرکز «دارالتقریب بین المذاهب الاسلامیه» در قاهره توسط آیت‌الله محمدتقی قمی در ایجاد این گرایش معتدل در شخص شیخ محمود شلتوت مؤثر بود و تلاشهای بی‌شائبه آیت‌الله بروجردی در صدور فتوای شیخ شلتوت و به رسمیت شناخته شدن مذهب شیعه، در کنار مذاهب

چهارگانه اهل تسنن که وحدت اسلامی را وارد مرحله نوین کرد، نقش به سزایی داشت (عیوضی، ۱۳۷۹ش، ص ۲۸).

«در دوران معاصر از دهها سال پیش به این طرف، به برکت تعالیم اسلام و بازگشت به آنها، بیداری اسلامی آغاز شد و پرچم توحید بار دیگر به اهتزاز درآمد که اوج این حرکت، [شکل‌گیری انقلاب اسلامی] و تشکیل نظام جمهوری اسلامی در این نقطه حساس از دنیای اسلام بود که باز آحاد مسلمانها احساس هویت و عزت کردند» (حدیث ولایت، ۱۳۸۳ش، ص ۱۲۸).

نقش انقلاب اسلامی در ارتقای خودباوری امت اسلامی

«پیام بزرگ و مهم انقلاب ما برای امت اسلامی و جوامع و ملت‌های مسلمان، عبارت است از: احیای هویت اسلامی، بازگشت به اسلام، بیداری مسلمانان و بازگشت به نهضت اسلامی. این پیام بزرگ انقلاب ما به ملت‌های مسلمان است که امام و پیشوای بزرگ این راه و معلم بزرگ این خط و مکتب بود» (حدیث ولایت، ۱۳۷۴ش، ص ۴۴).

«انقلاب اسلامی، عزت اسلام را بر روی دست گرفت و به همه دنیا نشان داد. انقلاب اسلامی نشان داد که اسلام می‌تواند به یک ملت، سرافرازی و عزت دهد؛ یک ملت را از زیر بار فشار و تحمیل بیگانگان نجات دهد و از حالت تحقیری که بر آن ملت تحمیل کرده‌اند، بیرون بکشد. می‌تواند استعداد‌های یک ملت را در همه میدانها بروز و ظهور بخشد؛ می‌تواند به یک ملت، قدرت دفاع از خود، قدرت دفاع از عقاید و از هویت و شخصیت خود بدهد. انقلاب اسلامی این را نشان داد. لذا آن وقتی که انقلاب اسلامی پیروز شد و وقتی امام بزرگ ما آن شخصیت عظیم، آن شخصیت بی‌نظیر در زمان ما توانست از زبان این ملت، سخن بگوید، همه مسلمانان عالم احساس افتخار و حیات کردند؛ احساس کردند که زنده شده‌اند. این خون تازه‌ای که در رگ‌های امت اسلامی دوید، دشمنان را بسیار دستپاچه و سراسیمه کرد. آنها نیروهایشان را روی هم

گذاشتند تا با این پدیده عظیم؛ یعنی اسلام انقلابی که امروز آن را یک ملت فریاد می‌کند، مبارزه کنند. از روز اول تا امروز مبارزه کردند» (حدیث ولایت، ۱۳۷۸ش، ص ۱۳۲).

آرمان وحدت امام خمینی رحمته الله علیه موجب پیروزی و رمز بقای امت اسلامی شد (عیوضی، ۱۳۷۹ش، ص ۴۱). حضرت امام رحمته الله علیه حتی در دوران پیش از پیروزی انقلاب و در میدان مبارزه، یکی از پیشگامان دعوت به وحدت بود. نخستین اعلامیه تاریخی ایشان با آیه مبارکه: «قُلْ إِنَّمَا أَعْظَمُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلِي وَفِرَادِي» (سبأ، ۴۶)؛ «بگو من فقط به شما یک اندرز می‌دهم که دو به دو و به تنهایی برای خدا به پا خیزید». آغاز و صادر شده بود. بخش مهمی از آن را وحدت امت به عنوان بستر «قیام الله» تشکیل می‌داد (خمینی، ۱۳۷۴ش، ص ۲۰). تلاش عمده امام خمینی رحمته الله علیه بعد از توفیق در تشکیل نظام جمهوری اسلامی و به مدت یک دهه حضور در رأس این تشکیلات، ابتدا آگاه ساختن مسلمانان به اسلام و ارزشهای اصیل و پایدار و رهایی‌بخش آن؛ سپس بازگشت مسلمانان به این اصول و اعتقادات و در پناه آن دست یافتن به وحدت و انسجام فراملی در مقابل قدرتهای استعماری و در نهایت ایجاد امت اسلامی به عنوان واحدی فراملی اعتقادی - فرهنگی در پهنه جغرافیای جهان اسلام بوده است.

هدف از احیای مجدد تئوری امت در جهان اسلام، سپردن نقش و مسئولیتی فعال یا به نوعی ایستادگی در برابر حوادث و جریانات سیاسی جهان سرمایه‌داری کنونی است. پناه بردن به ارزشهای وحدت بخش اسلام و ساختن جهان اسلام به عنوان بازیگری مؤثر و توانا و قطبی از قدرت از نظر عقیدتی و فرهنگی و سیاسی بوده است. به نظر می‌رسد ایشان توانسته است به تولید حجمی همسو از آگاهی عقیدتی - فکری و اتحاد اجتماعی امت در سطح افکار عمومی جامعه اسلامی به موفقیت‌هایی دست یابد؛ اگرچه توفیق چنین تلاش‌هایی پس از ارتحال ایشان در جهان اسلام بیشتر به ثمر نشست (زارعی، ۱۳۹۰ش، ص ۱۶۳).

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز بر اصل وحدت و شکل‌گیری امت واحده تأکید شده است. در اصل ۱۱ قانون اساسی آمده است: «به حکم آیه کریمه «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ» (انبیاء، ۹۲)؛ «این است امت شما که امتی یگانه است و منم پروردگار شما، پس مرا بپرستید»، همه مسلمانان یک امت هستند و دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است، سیاست کلی خود را بر پایه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و کوشش پیگیر به عمل آورد تا وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد» (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۸ ش، ص ۲۶). همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، دولت جمهوری اسلامی موظف شده است سیاست کلی خود را بر پایه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد تا همه مسلمانان که یک امت به شمار می‌آیند، به وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی دست یابند (دائرة المعارف انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳ ش، ج ۱، ص ۹۵). از این رو «هر موفقیتی که برای ملت ایران پیش آید، به یک معنای موفقیت برای تمام امت اسلامی است. هر ضربه‌ای که از سوی دشمنان به پیکره جمهوری اسلامی و ملت ایران وارد شود، ضربه به امت اسلامی است؛ این را مردم مسلمان عالم، آنهایی که با مسائل کشور و انقلاب ما آشنا هستند، احساس می‌کنند» (حدیث ولایت، ۱۳۷۸ ش، ص ۴۱).

«اگرچه قرن گذشته برای ملت عزیز ما و برای اسلام و کشور مصیبت بار بود، اما نهضت اسلامی ایران در اواخر این قرن، سرنوشت امت اسلام را در قرن آتی دگرگون خواهند نمود. امید واثق که شرق در بند، و خصوصاً کشورهای اسلامی، در زیر پرچم توحید به مبارزات خود برای استقلال و آزادی ادامه داده، تا از چنگ غرب و شرق توطئه‌گر نجات پیدا کنند؛ و این قرن، قرن نورانی کشورهای اسلامی باشد» (صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۳۶۴). آگاهی اسلامی و بیداری اسلامی در محیط مسلمان‌نشین عالم، ملت‌های اسلامی را به سمت نظام اسلامی و تشکیل امت واحده اسلامی خواهد کشاند؛

این یک آینده حتمی است. دشمنیها هم اثری ندارد. نیروی اسلام بالاتر از این حرفها است (حدیث ولایت، ۱۳۷۸ش، ص ۵۴). ملتها بیدار شده‌اند. امت اسلامی روز به روز بیدارتر می‌شود. امیدهای امت اسلامی، امیدهای خوبی است. افق، روشن است و ملت ایران به فضل پروردگار همچنان پیشتانز این صحنه است و به حول و قوه الهی، با رفتار و حرکت خود خواهد توانست برای ملت‌های دیگر یک الگوی زنده و قابل تقلید ارائه دهد (حدیث ولایت، ۱۳۸۲ش، ص ۱۷۵).

«ما چشم به روزی داریم که امت مسلمان، یکپارچه و متحد، از همه کشورهای اسلامی، پرچم اسلام را به دست گیرند و اسلام ناب محمدی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را در مقابل چشم‌های مردم جهان عرضه کنند و شوق و محبت انسانها در همه جای عالم را به سمت آن جلب نمایند» (خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۳/۱۴). «آینده، آینده بسیار روشنی است. آن روزی خواهد رسید که امت اسلامی به حول و قوه الهی در اوج اقتدار و استقلال قرار بگیرد. ملت‌های مسلمان با حفظ خصوصیات خود، تمایزهای خود، در زیر چتر واجد دعوت الی الله و الی الاسلام قرار بگیرند؛ همه با هم باشند. آن وقت است که امت اسلامی عزت خود را پیدا خواهد کرد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۱۱/۱۰).

چالش‌های تشکیل امت اسلامی

چالشها و مشکلات امت اسلامی متأسفانه از خود مفهوم امت شروع می‌شود، به نحوی که «در اندیشه شیعی، مفهوم امت کاملاً متفاوت از مفهومی است که در اندیشه اهل سنت مطرح می‌شود. نظریه مصون بودن امت از خطا که در اسلام سنی مطرح شده است، جای خود را به نظریه عصمت امام در اندیشه شیعی امامی می‌دهد» (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۰ش، ج ۱۰، ص ۱۹۲). «در بعد اعتقادی نیز اعتقاد به امامت و خلافت بلافصل علی بن ابی طالب عَلَيْهِ السَّلَام سر منشأ بروز دو گرایش اصلی در میان مسلمانان شد؛ یک عده در مسئله امامت نظری داشتند و عده دیگر نظری متفاوت داشتند. بعضی منبع

احکام الهی را یک چیز و بعضی چیز دیگری دانستند. بنابراین، در اصول و فروع، از همان اول اختلافاتی بین مسلمانان به وجود آمد» (خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۷/۱۹).

از نظر شیعه، امامت امت پس از پیامبر بر عهده امامان معصوم علیهم‌السلام است که همگی از اهل بیت پیامبر هستند و به وسیله نص به امت اسلامی معرفی شده‌اند، اولین آنان حضرت علی علیه‌السلام و آخرین آنها حضرت مهدی (عج) است. در مقابل تسنن و به تعبیر دیگر «مکتب خلفا»، هرگونه وابستگی امامت به نص و نیز شرط بودن عصمت در آن را انکار نموده و امامت را امری زمینی و نامشروط به عصمت می‌دانند. در نظر این گروه، پس از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم کسی دارای مقام عصمت و علم لدنی نیست. در عین حال آنان سنت و سیره خلفای راشدین و عمل اصحاب را تا حدودی همسنگ سیره معصومان می‌انگارند و پس از قرآن و پیامبر بر سنت خلفا تأکید می‌ورزند. بنابراین مرجع و حجت وضعی شرعی نزد شیعه عبارت است از: «قرآن + سیره پیامبر + سیره اهل بیت علیهم‌السلام» و نزد اهل سنت عبارت است از: «قرآن + سیره پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم + سیره خلفای راشدین و عمل اصحاب». بنابراین تفاوت این دو گروه منحصرأ در رهبری سیاسی پس از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نیست، بلکه حجت و مرجع معتبر دینی از وجوه اساسی تمایز آن دو است (شاکرین، ۱۳۹۰ش، ص ۱۲۹).

از نظر اهل سنت، آنچه به وحدت امت آسیب می‌رساند و موجب افتراق می‌گردد، پیروی از بدعت در برابر سنت است؛ اما در دیدگاه شیعه، انحراف از امام معصوم علیه‌السلام موجب این افتراق می‌شود (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۰ش، ج ۱۰، ص ۱۹۲).

در دوران معاصر نیز وجود مرزهای سیاسی و ملی گرایانه، به تقسیم مسلمانان به گروه‌های مختلف در سراسر جهان منجر شده است. این در حالی است که فرهنگ اسلامی از یک طرف و وجود دشمن مشترک از طرف دیگر، می‌تواند وجه مشترک مسلمانان قرار گیرد (العاصی، ۱۳۹۰ش، ص ۳۰۲). «بزرگ‌ترین مصائب، تشتت و تفرق مسلمانان و غفلت و دوری آنها از امت بزرگ اسلامی است (حدیث ولایت، ۱۳۷۲ش،

ص ۲). امروز تمام تلاش دشمنان اسلام و امت اسلامی این است که این امت را به جان یکدیگر بیندازند و آنها را با همدیگر دشمن کنند. این تلاش، مخصوص امروز نیست و از گذشته نیز همین‌طور بوده است. اما امروز، این مأموریتِ خباث‌آمیز و رذالت‌آلود از طرف دشمنان، با سازماندهی و تدبیر و همه‌جانبه انجام می‌گیرد» (حدیث ولایت، ۱۳۷۳ ش، ص ۱۵۸).

نتیجه‌گیری

در تعریف مفهوم امت و امت اسلامی دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد، اما معنایی که در این نوشتار در خصوص «امت اسلامی» مد نظر قرار گرفت، برگرفته از قرآن کریم و سنت نبوی و ناظر به جامعه‌ای برگزیده، متحد و هدفمند براساس دین و سنت پیامبر اسلام ﷺ با قوامی به غیر از نژاد، اقلیم، زبان و مانند آن می‌باشد. بنابراین بزرگ‌ترین مرجع تعریف و تعیین حدود، شاخصها و ویژگیهای این مفاهیم نیز در قرآن و سنت پیامبر اکرم ﷺ قرار دارد. امت اسلامی در سیر تاریخی خود، با فراز و فرودهایی مواجه گردیده است؛ در اوج تمدن اسلامی، امت اسلامی از دروازه‌های چین تا قلب اروپا را دربر می‌گرفته است. در برخی از مقاطع نیز امت اسلامی چنان دچار ضعف و اضمحلال قرار گرفته که جز نامی از آن، باقی نبوده است.

در پاسخ به سؤالاتی که در مقدمه اشاره شد، در یک جمع‌بندی نهایی می‌توان گفت که با دقت نظر در مطالب ارائه شده که برگرفته از نظریات پایه‌گذاران گفتمان انقلاب اسلامی همچون امام خمینی رحمته‌الله، شهید مطهری رحمته‌الله، مقام معظم رهبری و سایر بزرگان و اندیشمندان گفتمان‌ساز در انقلاب اسلامی می‌باشد، مشخص می‌گردد که مفهوم امت اسلامی در گفتمان انقلاب اسلامی دچار تحول نشده و به همین علت مورد بازتعریف قرار نگرفته است؛ بلکه گفتمان انقلاب اسلامی با استناد به قرآن و سیره معصومان علیهم‌السلام، مفهوم امت اسلامی را به مثابه یکی از کلیدی‌ترین مفاهیم اسلامی، مورد بازشناسی و

تأکید قرار داده است. اما متأسفانه بنا به دلایلی که اشاره شد، چالشهایی برای تحقق امت اسلامی از همان سالهای آغازین ظهور اسلام به وجود آمد که باعث انشقاق امت اسلامی گردید و در طول سده‌های گذشته، به‌رغم تلاش مجدانه علمای اسلام این چالشها مرتفع نشد.

پس از شکل‌گیری انقلاب اسلامی و بازشناسی مفاهیم پایه‌ای مانند امت، وحدت، عزت، استقلال، آزادی، عدالت، جهاد، و غیره در گفتمان انقلاب اسلامی و نیز عمل صادقانه به این ارزشها، موجی از بیداری اسلامی در دنیای اسلام پدیدار شد که روز به روز در حال گسترش می‌باشد، ولی کماکان دچار چالشها و مشکلات جدی است. به همین منظور و برای تحقق امت اسلامی در افق آینده پیش‌روی دنیای اسلام و نیز گذر از چالشهای موجود، راهبردهایی برگرفته از فرمایشات مقام معظم رهبری، ارائه گردید که می‌تواند آرزوی تحقق امت اسلامی را ذیل تمدن نوین اسلامی و نظام واحد جهانی که همانا نظامی مهدوی است، محقق نماید.

امت اسلامی دارای نظام سیاسی است که از آن تحت عنوان نظام امامت و امت یاد می‌شود. پیامبری که تسلیم امر خداوند متعال است، امام امت اسلامی می‌شود. انتصاب امام از طرف خداوند و پیامبر ﷺ نیز باعث استحکام امت اسلامی شده و کمال دین را در پی دارد. تا جایی که تصور امت اسلامی بدون امام، ممکن نیست. مهم‌ترین ضعف در میان امت اسلامی، وجود اختلاف و دوری از امام ﷺ و مهم‌ترین راهبرد و راهکار تقویت امت اسلامی، شکل‌گیری وحدت اسلامی و بازگشت به امام (عج) است. از این رو، گفتمان انقلاب اسلامی با تأکید بر مفهوم امت اسلامی (از طریق دعوت به وحدت اسلامی و پرهیز از تفرقه و اختلاف)، با زمینه‌سازی ایجاد نظام امامت و امت توانسته است خودباوری را در میان امت اسلامی تقویت نماید و امید است که به فضل خداوند متعال این آگاهی و بیداری اسلامی در میان مسلمانان جهان گسترش یافته، ملت‌های اسلامی، روز به روز به تشکیل امت واحده اسلامی نزدیک‌تر شوند.

فهرست منابع و مآخذ

- قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند.
۱. ابن درید، محمد بن حسن (۱۹۷۸م)، *جمهرة اللغة*، بیروت: دارالعلم للملایین.
 ۲. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۵ق)، *لسان العرب*، قم: نشر ادب الحوزة.
 ۳. احمدی، ظهیر (۱۳۸۸ش)، «مفهوم شناسی امت در قرآن و اجتماع»، *مجله پژوهشنامه علوم و معارف قرآن کریم*، شماره ۲.
 ۴. اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۹۲ش)، «بیداری اسلامی و راهبرد شکل گیری امت اسلامی»، *مجله مطالعات انقلاب اسلامی*، شماره ۳۳.
 ۵. ایزوتسو، توشیهیکو (۱۳۸۱ش)، *خدا و انسان در قرآن*، ترجمه احمد آرام، تهران: شرکت سهامی انتشار.
 ۶. بابایی زارچ، علی محمد (۱۳۸۳ش)، *امت و ملت در اندیشه امام خمینی*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
 ۷. جاثوتزی، ماریا؛ سییو، بارتولومئو (۱۳۹۴ش)، *پیشرفتهای جدید در روش شناسی آینده نگاری*، ترجمه مجتبی بهاری، احد رضایان قیبه باشی و معصومه کاظمی، تهران: مؤسسه افق آینده پژوهی راهبردی.
 ۸. جعفریان، رسول (۱۳۷۷ش)، *تاریخ تحول دولت و خلافت*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
 ۹. حسینی دشتی، سید مصطفی (۱۳۶۹ش)، *معارف و معاریف*، قم: اسماعیلیان.
 ۱۰. حسینی زاده، سید محمد علی (۱۳۸۳ش)، «نظریه گفتمان و تحلیل سیاسی»، *مجله علوم سیاسی*، شماره ۲۸.
 ۱۱. خامنه‌ای، سید علی (۱۳۶۸/۷/۱۹)، «بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم و مسئولان و جمعی از شیعیان استان سرحد پاکستان»، در: <http://farsi.khamenei.ir>

۱۲. خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۰/۱۱/۱۰)، «بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی جوانان و بیداری اسلامی»، در: <http://farsi.khamenei.ir>
۱۳. خامنه‌ای، سید علی (۱۳۶۹/۳/۱۴)، «سخنرانی در مراسم اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی رحمته‌الله»، در: <http://farsi.khamenei.ir>
۱۴. خمینی، سید احمد (۱۳۷۴ش)، «وحدت در اندیشه امام خمینی رحمته‌الله»، *آوای وحدت (گزیده مقالات هفتمین کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی)*، به کوشش محمدمسعود معزالدین، تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
۱۵. خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۰ش)، *آداب الصلوة (آداب نماز)*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته‌الله.
۱۶. خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۱ش)، *چهل حدیث*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته‌الله.
۱۷. خمینی، سید روح‌الله (بی‌تا)، *کشف الأسرار*، قم: مصطفوی.
۱۸. *دائرة المعارف انقلاب اسلامی ویژه نوجوانان و جوانان*، (۱۳۸۳ش)، به کوشش دفتر ادبیات انقلاب اسلامی، تهران: سوره مهر.
۱۹. *دائرة المعارف قرآن کریم*، (۱۳۸۲ش)، تهیه و تدوین مرکز فرهنگ و معارف قرآن، قم: بوستان کتاب.
۲۰. دیوید، فرد آر (۱۳۷۹ش)، *مدیریت استراتژیک*، ترجمه علی پارسائیان و سید محمد اعرابی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۲۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۸۳ش)، *ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن*، ترجمه سید غلامرضا خسروی حسینی، تهران: مرتضوی.
۲۲. زارعی، بهادر (۱۳۹۰ش)، «تحلیل تئوری امت در قلمرو جغرافیای سیاسی اسلام»، *مجله سیاست*، دوره ۴۱، شماره ۳.
۲۳. زرکشی، محمد بن عبدالله (۱۳۹۱ق)، *البرهان فی علوم القرآن*، بیروت: دارالمعرفة.

۲۴. سلطانی، سید علی اصغر (۱۳۸۳ش)، «تحلیل گفتمان به مثابه نظریه و روش»، مجله علوم سیاسی، شماره ۲۸.
۲۵. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (بی تا)، *الإتقان فی علوم القرآن*، بیروت: دارالمکتبة العلمیة.
۲۶. شاکرین، حمیدرضا (۱۳۹۰ش)، *چرا دین؟ چرا اسلام؟ چرا تشیع؟*، قم: دفتر نشر معارف.
۲۷. شفایی، امان الله (۱۳۹۱ش)، «تبیین قلمرو آموزه «امت» در جوامع چندفرهنگی»، مجله حکومت اسلامی، شماره ۶۶.
۲۸. صدر حاج سید جوادی، احمد؛ فانی، کامران؛ خرمشاهی، بهاء الدین (۱۳۷۲ش)، *دائرة المعارف تشیع*، تهران: علمی و فرهنگی.
۲۹. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۸ش)، *ترجمه تفسیر المیزان*، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، تهران: دفتر انتشارات اسلامی.
۳۰. العاصی، محمد (۱۳۹۰ش)، «برنامه‌های استراتژیک امت اسلامی برای رویارویی با چالشهای فراروی وحدت»، مجموعه مقالات بیست و دومین کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی، تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
۳۱. عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۶۶ش)، *فقه سیاسی*، تهران: امیرکبیر.
۳۲. عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۷۷ش)، *فقه سیاسی (حقوق بین‌الملل اسلامی)*، تهران: امیرکبیر.
۳۳. عیوضی، محمدرحیم (۱۳۷۹ش)، «آرمان وحدت اسلامی در اندیشه امام خمینی علیه السلام»، مجله حضور، شماره ۳۴.
۳۴. فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹ش)، *تحلیل انتقادی گفتمان*، ترجمه فاطمه شایسته پیران و دیگران، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
۳۵. *قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*، (۱۳۷۸ش)، تدوین هوشنگ ناصرزاده، تهران: بابک.
۳۶. قرشی، سید علی اکبر (۱۳۶۱ش)، *قاموس قرآن*، تهران، دارالکتب الإسلامیة.
۳۷. مارش، دیوید؛ استوکر، جری (۱۳۷۸ش)، *روش و نظریه در علوم سیاسی*، ترجمه امیرمحمد حاجی یوسفی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

۳۸. محمدی لرد، عبدالمحمود (۱۳۹۲ش)، «مدل تحلیل راهبردی در اندیشه مقام معظم رهبری»، مجله مطالعات راهبردی، شماره ۶۲.
۳۹. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۶۸ش)، *جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن*، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
۴۰. مطهری، مرتضی (۱۳۸۸ش)، *مجموعه آثار استاد شهید مطهری*، تهران: صدرا.
۴۱. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴ش)، *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الإسلامية.
۴۲. موسوی بجنوردی، سید محمدکاظم (۱۳۸۰ش)، *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
۴۳. نرم افزار چندرسانه‌ای حدیث ولایت (مجموعه رهنمودهای رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای)، تهران: مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی.
۴۴. نرم افزار چندرسانه‌ای صحیفه امام، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
۴۵. نش، کیت (۱۳۸۰ش)، *جامعه‌شناسی سیاسی معاصر: جهانی شدن، سیاست و قدرت*، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: کویر.